

علامه مجلسی

سالک سترگ آفاق تحقیق

«یا سائلی عنه لما تجتئ تسئله الا هو الّجل العاری من العار لو جئته لرأیت الناس فی رجل والدھر فی ساعه والأرض فی دار» «این فردی که از من جو یای حال و هستی، بدان که او مر دیست که از هر گونه نقص و عیب میراست. اگر او را ببینی، خواهی دید که وجود همه مردم در یک فرد جمع است و روزگار در یک ساعت متمرکز و جهان در یک خانه قرار گرفته است.» (ابوالعلاء معری)

در ادوار حیات و فصول زندگی یک ملت، انسان های بزرگی هستند که گاه عظمت شان با عظمت یک امت برابری می کند و کارنامه حیات شان مبین عیار علم، فرهنگ و ادب یک سرزمین است. بدون تردید، علامه بزرگ و محدث سترگ علامه محمدباقر مجلسی از آن نمونه است، نمونه ای که در جهان اسلام و عالم تشیع، در جامعیت علمی، فهم، زمان شناسی و تدبیر کمتر نظیر دارد، مردی که باید او را مجددی دانست که در سده یازدهم هجری میراث گران قدر و پراچ معصومین (علیهم السلام)، یعنی دومین منبع شناخت (عترت و سنت) را در قالب جامع ترین جوامع راوی، یعنی کتاب مستطاب بحار الانوار که در طبع اکنونی آن به یکصد و ده جلد بالغ می شود، سامان دهی و احیا و نزدیک به سه دهه از عمر پربرکت خود را از ۱۰۷۷ تا ۱۱۰۴ (ق) در تألیف و پدیدآوردن این مجموع عظیم و بی بدیل صرف کرد و البته سهیم او فقط در جمع و نقل روایات نبود، بلکه اخبار را به خصوص غوامض و غرایب و نوادر آن را با درایت و فهم حدیث شناسانه، رمزگشایی و قابل استفاده می کرد. او به راستی فهمنده احادیث و درایت کننده آن و غواص این بحر عمیق بود، نه صرفا راوی و ناقل روایات. فعالیت علمی این دانشی مرد تاریخ اسلام، محدود به تألیف دائرالمعارف بحار الانوار نمی شود، شرح ایشان بر کافی شریف، در بیست و هفت جلد با عنوان مرآةالمعقول به زبان عربی و شرح دیگر ایشان بر تہذیب شیخ الطایفه با عنوان ملاذالآخیر که خصوصا در نقش رجالی برجسته و سندشناسی زبردست ظهور کرده است، از آثار دیگر این علامه ذوالفنون است. هم چنان

که حفظ، تدوین، تبویب و سامان دهی احادیث در قالب جوامع روایی در قرون اولیه اسلامی برعهده محمدبن ثلاث اوائل یعنی: ۱. محمدبن یعقوب کلینی صاحب کافی شریف؛ ۲. ابوجعفر محمدبن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (شیخ صدوق) مؤلف من لایحضرہ الفقیه و ۳. ابوجعفر محمدبن حسن بن علی طوسی (شیخ الطایفه) صاحب تہذیب و استیصار بوده است، جمع آوری و تألیف و پیشگیری از اندراس ایشنان (علیهم صلوات الله اجمعین) در سده های بعد به دست سه نفر از فحول علمای شیعه انجام شد که به محمدبن ثلاث اواخر مشهور گشتند، یعنی: ۱. محمدبن مرتضی بن محمود کاشانی معروف به فیض صاحب وافی و ۲. ابوجعفر محمدبن حسن بن علی عاملی معروف به شیخ خر مؤلف وسائل الشیعه و ۳) علامه محمدبن محمدبن علی مجلسی (محمدباقربن محمدتقی بن مقصود علی) مؤلف کتاب عظیم بحار الانوار که باید صرف نظر از اینکه دو کتاب وافی او در عقاید مثل حق الیقین که یک دوره اصول عقاید نگاشته شده اند، کار مجلسی بزرگ را در اهتمام به امر احادیث از دو دیگر همصرانش، یعنی فیض کاشانی و حر عاملی (رضوان الله تعالی علیهما) بسی عظیم تر و پرباعدا تر دانست که تحقیقا چنین است. تکنگذاری های او در عقاید مثل حق الیقین که یک دوره اصول عقاید به زبان سلیس، بیانی استدلالی و در عین حال به زبان فاخر فارسی نگاشته شده است، از دیگر آثار اوست که بنا بر اقرار بزرگان ادب فارسی هم چون ملک الشعرا بهار و دکتر رضازاده شفق، نمونه عالی نثر فارسی در دوره صفویه است. حق الیقین شامل ضروریاتی است که یک مسلمان در عقاید باید بداند و در کمال اتقان و روانی طبع و ذویت منطق نگاشته شده و کتاب هایی که در دوره های بعد در اصول عقاید توسط علمای بزرگ شیعه تألیف شده، همه به نوعی به این اثر متع و نافع نظر داشته اند؛ مثل کتابی با همین عنوان (حق الیقین) که مرحوم علامه سید عبدالله شبیر در عقاید تألیف

کرده است. کتاب های دیگر علامه مجلسی مثل رساله اعتقادات به عربی، شامل ذقایق اعتقادی و جلاء العیون به فارسی که زندگی نامه معصومین علیهم السلام و کتابی مهم در سیره است و نیز عین الحیوه به فارسی که شرح وصایای رسول اکرم (ص) به ابوذر غفاری است و محتوایی اخلاقی دارد، از زبده ترین و پاکیزه ترین آثار در نوع خود هستند. گرچه وجه بارز عظمت این دانشمند و محدث بزرگ و این فقیه و اصولی سترگ به اهتمام فوق العاده ایشان به حفظ و صیانت از قرآن و احادیث است، آن چنان که به قول مؤلف ریحانه الادب: «گویا خلقت او برای این خدمت دینی بوده است» و البته اگر بزرگی را بتوان به وصف بزرگی ستود، دلیلی بهتر از این (حفظ موارث اهل بیت (ع)) نمی خواهد، ولیکن باید گفت جامعیت علامه مجلسی نشان از آن دارد که وی در زمینه معقول، یعنی فلسفه و کلام نیز تبحر داشته است و حوزه پژوهش و دایره دانش او منطقه ای به وسعت تمام علوم اسلامی مصطلح یعنی فقه، اصول، حدیث، تفسیر، تاریخ، کلام، فلسفه و علوم ادبی و بلاغی را در بر می گرفته است. در فقه علامه مجلسی صاحب رساله استفتائات و نیز حاشیه بر رساله فقهی پدر بزرگوارش با عنوان «حدیقه المتقین» بوده است و خود فقیهی حاذق و زبردست بوده، چنان چه کتاب قواعد علامه حلی را تدریس می کرده و بر آن حاشیه ای نیز تألیف کرده است. همچنین تعلیقات بر کتب فقهی مانند فقرات شرح لمعه، در زمره تألیفات ایشان است. کتاب پاسخ به استفتائات او که از آن سخن رفت عنوان نظم الثانی را دارد که پاسخ به استفتائات مقلدین از قول ایشان، در آن درج شده است. دیدگاه های اصولی او پراکنده، گاه در بحار، گاه در مرآةالمعقول و گاه در ملاذالآخیر آمده است. آن گونه که می توان به ضرس قاطع وی را فقیهی اصولی نامید و از اخباری گری میرا دانست. دیدگاه او در مسئله شبهه حکمیه تحریمیه و نیز اعتقاد راسخ او به اصل برائت و



هم آنچه در مرآةالمعقول مبنی بر واجب کفایی دانستن اجتهاد و واجب عینی دانستن تقلید غیر مجتهدین از مجتهدین آورده است و تعریفی که از اجتهاد ارائه می دهد، همه گواه این معناست که وی در جرگه علمای اصولی است. و اما در معقول، بهترین شاگرد آقا حسین خوانساری بوده و در فلسفه مشا متبحر و وارد بوده است؛ آن چنان که در جلد نخست بحار الانوار می گوید: «بر این علوم حرصی بودم و از آن بهره کافی بردم.» ضمن آنکه ورود تخصصی او به معقول و علوم عقلی از مطالوی کتاب السما و العالم بحار خصوصا در بحث حدوث عالم و نیز مباحث عقل شناسی و نفس شناسی در بحار الانوار و سایر آثار ایشان به خوبی هویداست. در طرح مباحث کلامی هم علاوه بر توجه به ادله نقلی و سمعی، بیانی منطقی و متکی به استدالات متین دارد؛ به عنوان مثال، در بحار الانوار در مباحث توحیدی ابتدا شش برهان عقلی بر وحدت صانع اقامه کرده و سپس وارد ادله سمعی می شود. آن چنان که در حق الیقین نیز بیانی استدلالی دارد. در عین اعتقاد راسخ به منابع شناخت یعنی قرآن و سنت، دو نکته را مطمح نظر دارد: اول آنکه به نقل بدیهی اعم از مستقالات عقلیه

و بدیهیات اولیه عقل نظری و استنتاجات عقلی که بر مقدمات روشن استوار شده معتقد است و دیگر آنکه معتقد است ادله نقلی با بدیهیات عقلی، هیچ گاه متعارض نمی شود. علامه، علم کلام را به قدری که اصول خمسه به استدلال دانسته شود لازم می داند و آن را از علومی می داند که موقوف علیه استدلال و استنباط است. حسن فاعلی و اخلاق عملی علامه مجلسی در دو بعد فردی و اجتماعی، وجه دیگری از شخصیت والا و تبار نژاده اوست. در سلوک هرگز فراتر از مأثورات و ریاضات شرعیه و دستورات شرع و انجام نوافل و مستحبات و آنچه وارد شده نمی رود و با عرفان غیر شرعی اعم از مرزبندی جدی دارد و حتی بسا آن به عنوان بدعت در دین به مخالفت می بردارد. و اما در بعد اجتماعی، مساحت وی در برخورد با مخالفان و حتی معاندان دین اسلام و مذهب شیعه از ویژگی های اخلاقی اوست. رواداری و خردورزی وی در برخورد با اصناف و گروه ها از دانشمندان و طلاب گرفته تا مردم عادی، یادآور سیره انمه معصومین (علیهم السلام) در صبر و مدارا و چاره جویی و پاسخ به شبهات در رابطه با

مردم و گروه ها و ادیان و فرق و مذاهب گونه گون است. قرآن و احادیث و منطق استوار اسلام که برهانی قاطع در دست وی بوده، او را از هر گونه تحکم و جبر در برخورد با انحرافات و اعوجاجات فکری و اعتقادی بی نیاز می کرده؛ آن چنان که هم عصر او ملا عبدالرزاق لاهیجی گفته بود: «تمثیل معصوم در حکم قیاس برهانی ست.» مجلسی نیز از معدود کسانی بود که از این ظرفیت برای بیان برهانی و عقلی مبانی دینی استفاده می کرد و قادر به به کارگیری این ظرفیت بی انتها بود.

معارض کلام معصوم را می شناخت و سراپا حسن بودن آن را در می یافت و به احیای امر و عرضه آن به صورت روشمند، متدیک و با نسق علمی همت می گماشت. علامه نسبت به اسلاف خود از علمای شیعه کمال ادب و احترام و تواضع علمی را داشت؛ به خصوص آثار ایشان به ویژه کتب اربعه را به تمامی ارج می نهاد. در برخورد با شاگردان نیز در عین هیبت و مهابت علمی و کارزمای شخصیتی، مهربان بود و به هیچ وجه به بذل علم و معرفت ممسک نبود و شاگردانی را تربیت کرد که هر یک از مفاخر جهان اسلام و عالم تشیع شدند. حضور او در منصب شیخ الاسلامی از سال ۱۰۹۰ تا ۱۱۱۰ (ق) که رحلت فرمود، مهاری بود بر خود کماهی و بی برنامه گی پادشاه صفوی و مانی بود از فروپاشی نظام سیاسی و اضمحلال دیوانی در دستگاه دولتی.

ولی شوربختانه، علامه مجلسی جز پنج سال اول سلطنت شاه سلطان حسین در قید حیات نبود و پس از رحلت علامه در سال ۱۱۱۰ (ق) حکومت صفوی به پادشاهی سلطان حسین صفوی، بیست و پنج سال تمام ادامه داشت؛ در حالی که از نعمت وجود عالمی زمان شناس، آگاه، مدبر و مشاور امین محروم بود و سرآر و رو به افول گزاید و به دست افغان ها در سال ۱۱۳۵ (ق) منقرض شد. آن چنان که محققین و دانشمندانی چون محدث بحرانی ذکر کرده اند، اگر مجلسی زنده بود سقوط صفویه اتفاق نمی افتاد و بعد از وفات او بود که خرسه در صفویه افتاد. امروز پس از گذشت نزدیک به چهار قرن از درگذشت او، و آنچه وارد شده نمی رود و با عرفان غیر شرعی اعم از مرزبندی جدی دارد و حتی بسا آن به عنوان بدعت در دین به مخالفت می بردارد.

و اما در بعد اجتماعی، مساحت وی در برخورد با مخالفان و حتی معاندان دین اسلام و مذهب شیعه از ویژگی های اخلاقی اوست. رواداری و خردورزی وی در برخورد با اصناف و گروه ها از دانشمندان و طلاب گرفته تا مردم عادی، یادآور سیره انمه معصومین (علیهم السلام) در صبر و مدارا و چاره جویی و پاسخ به شبهات در رابطه با

کابینه در برابر آقای روحانی وجود داشته است یا در بحث استفاده از قومیت هائیز به همین موضوع اشاره شد. به نظر من اینکه محقق نشد بیانگر آن است که احتمالا موانعی وجود داشته و موجب شده است آنچه مدنظر ایشان بوده یعنی استفاده از همه توانمندی ها برای چنین کابینه، محقق نشود.

مهم ترین اولویت های دولت دوازدهم چیست؟

دو مسئله دارای اهمیت جدی است: نخست، مسئله اقتصاد است. در این حوزه اشتغال و رونق تولید حائز اهمیت است و در واقع مطالبه اصلی مردم محسوب می شود. خوشبختانه در این دوره ما با مجلس نهم روبه رو نیستیم و مجلس همراهی و همدلی بیشتری با دولت دارد و می خواهد کادر اقتصادی دولت به گونه ای عمل کند که رونق و شکوفایی در کشور پدید آید؛ البته باید سایر اعضای کابینه نیز کمک کنند؛ چون این موضوع تنها با هماهنگی مدیران اقتصادی تحقق پذیر نیست؛ بلکه نیازمند بسترهای داخلی و خارجی است. مسئله دیگر اهتمام دولت بر حقوق شهروندی است. این حقوق در دوره اول کمتر مورد توجه قرار گرفت و در این دوره نیز باید به آن توجه شود تا مردم احساس آرامش بیشتری کنند.

رسمالارد دور دوم فعالیت دولت شده ایم. به نظر شما آقای روحانی در ابتدا باید به چه نکاتی توجه کند؟

دو مسئله برای دولت اهمیت ویژه دارد: نخست، اعتماد مردم است. به گونه ای باید حرکت کند که این اعتماد متزلزل نشود. اعتماد مردم به رئیس جمهور بزرگ ترین سرمایه دولت است که بارها آقای روحانی بر آن تأکید کرده اند و این اعتماد در دوره دوم درخشندتر به ایشان ابراز شد و به طبع به دنبال آن رفع مطالبات و خواست مردم مطرح است. دولت باید تلاش کند به دنبال حل مسائل و مشکلات مردم باشد و ذره ای از احقاق حقوق آنان عقب نشینی نکند. جهت گیری و تلاش ملموس دولت باید مشهود باشد و همکاران دولت با تمام قوا به پیگیری مطالبات مردم بپردازند. آنچه اهمیت دارد اینکه وقتی شخصی مسئولیتی را عهده دار می شود، به پشتکار به پیگیری وعده های خود بپردازد، جامعه نیز این موضوع را احساس کند. مسئله دیگر استفاده از تمامی ظرفیت کشور برای حل و فصل مسائل است. اگر این مسائل مورد توجه قرار گیرد کارنامه دوم دولت موفق تر از دوره اول خواهد بود.



پیگیر مطالبات مردم و وعده هایی که در ایام انتخابات مطرح کرد، باشد. اینکه با چه ابزاری می خواهد آن را عملیاتی کند به طبع متأثر از انتخاب رئیس جمهور و رأی اعتماد مجلس است. زمانی که افراد تأیید شدند، این امیدواری وجود دارد که دولت بتواند با استفاده از ابزارهای پیش بینی شده، اهداف خود را به سرانجام رساند؛ اگر چه ارزیابی کلی برخی افراد این است که تا حدودی نقاط ضعف گذشته مرتفع نشد. در هر صورت آقای روحانی با موانعی روبه رو بود که به او این اجازه را نداد با اطمینان بیشتری از همکاران جدید خود گرفته که بتواند منویات ایشان را دنبال کند. به طبع حساسیت ما بیشتر جهت گیری و تأمل شخص آقای روحانی و دولت او بر آنچه به مردم وعده داده است، بوده و مطالبه اصلی ما بیشتر در این رابطه متمرکز است و افرادی که استفاده می کنند در چه دوم اهمیت قرار دارد. امیدواریم همکاران جدید ایشان بتوانند در این دوره با اهتمام بیشتر در حل و فصل مسائل و مشکلات مردم باشند.

اگر قضیه از بعد بیرونی مورد ارزیابی قرار گیرد شاید مطالبات و خواست جامعه و کارشناسان سیاسی تحقق پیدا نکرده باشد. قبل از آنکه اعضای کابینه به مجلس معرفی شوند، گروه ها و شخصیت های متعددی در این رابطه اظهار نظر کردند و نقدهایی ارائه دادند و ممکن است این انتقادات تداوم داشته باشد؛ باین وجود، مسئله مهم این است که آقای روحانی در دوره دوم همچنان با تمام قوا و استوار

روحانی در احقاق حقوق مردم ذره ای عقب نشینی نکند
دراجه برای انتخاب اعضای کابینه در برابر روحانی صاف نبود
دراثر انتخاب اعضای کابینه، روحانی تحت فشار بود

رویکرد آیت الله هاشمی در مجمع حفظ شود و مجمع همچنان مشی اعتدالی خود را حفظ کند

کابینه آقای روحانی به مجلس معرفی شد و این نهاد در حال بررسی صلاحیت کاندیداهای پیشنهادی است. به نظر شما نقاط ضعف کابینه یازدهم یا چنین کابینه جدید مرتفع شد؟

اگر قضیه از بعد بیرونی مورد ارزیابی قرار گیرد شاید مطالبات و خواست جامعه و کارشناسان سیاسی تحقق پیدا نکرده باشد. قبل از آنکه اعضای کابینه به مجلس معرفی شوند، گروه ها و شخصیت های متعددی در این رابطه اظهار نظر کردند و نقدهایی ارائه دادند و ممکن است این انتقادات تداوم داشته باشد؛ باین وجود، مسئله مهم این است که آقای روحانی در دوره دوم همچنان با تمام قوا و استوار

مصطفی درایتی، فعال سیاسی اصلاح طلب در گفت و گو با «نسل فردا» مطرح کرد:

دو نکته طلایی

برای موفقیت دولت دوازدهم

لیلا کاظمی | گروه سیاست
leilakazemi288@gmail.com

آیت الله هاشمی بود که با مدیریت و مشی اعتدالی که در پیش گرفته بود مجمع را به نهادهی فرا جناحی و سازنده تبدیل کرده بود؛ به شکلی که از شخصیت های مختلف سیاسی از طیف های مختلف در آن حضور داشتند و درباره مسائل کلی کشور رایزنی و گفت و گو می کردند. اکنون باید پرسید آیا رویکرد آیت الله هاشمی شاهرودی در مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه رویکرد آیت الله هاشمی خواهد بود؟ برای بررسی این موضوع بحث الاسلام مصطفی درایتی، فعال سیاسی اصلاح طلب با «نسل فردا» گفت و گو کرده است که در ادامه می خوانید:

است. این امیدواری وجود دارد همان طور که آیت الله هاشمی همواره سعی می کرد یک فضای متعادل و سازنده به وجود آورد و در شیوه مدیریت خود، دغدغه های جریان های سیاسی را لحاظ کند و اجازه نمی داد فضای کلی مجمع به سمت جریان سیاسی خاص تمایل پیدا کند، آیت الله هاشمی شاهرودی نیز همین مشی را دنبال کند؛ البته مشی اعتدالی در سوابق ایشان نیز مشاهده می شود. به هر صورت آیت الله هاشمی شاهرودی چهره ای نیست که در مجموعه جریان تندرو قابل تحلیل باشد؛ اما این امیدواری وجود دارد که این توانمندی در ایشان وجود داشته باشد و بتواند مجمع را به صورت فرا جناحی و با در نظر گرفتن منافع کلی نظام مدیریت کند.

در بین اعضای جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام، نام دو کاندیدای اصولگرا (محمدباقر قلیباف و ابراهیم رئیسی) به چشم می خورد. آیا حضور دو کاندیدای اصولگرا در راستای تقویت این نهاد بوده است؟

آقایان رئیسی و قالیباف به عنوان سبیل جریان اصولگرا مطرح هستند. وجود آنان برای اینکه نظراتشان در مجمع مورد توجه قرار گیرد مهم ارزیابی شده؛ البته در مجموعه جامعه ما شخصیت های دیگر هم وجود دارند که چنین تجربیات مفیدی برای کشور دارند و باید از آنان بیشتر استفاده شود و این به معنای نفی دیگران نیست. افراد دیگر هم می توانستند حضور داشته باشند؛ چون دست رهبری در انتخاب افراد و تعداد آنان باز است. حضور این افراد

انتخاب آیت الله هاشمی شاهرودی به عنوان رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را چگونه ارزیابی می کنید؟

مجمع تشخیص مصلحت نظام، یکی از ارکان مهم نظام است که از اهمیت بسیار زیادی در تصمیم گیری کلان کشور برخوردار است. در سال های گذشته، ریاست مجمع بر عهده آیت الله هاشمی بود که با مدیریت و مشی اعتدالی که در پیش گرفته بودند مجمع را به یک نهاد فرا جناحی و سازنده تبدیل کرده بودند؛ به شکلی که شخصیت های مختلف سیاسی از طیف های مختلف در آن حضور داشتند و درباره مسائل کلی کشور رایزنی می کردند؛ در نتیجه، مجمع تشخیص مصلحت نظام یک رویکرد اعتدالی در پیش گرفته بود که به منافع کلی نظام توجه می کرد. اکنون مقام معظم رهبری انتخاب آیت الله هاشمی شاهرودی به عنوان رئیس مجمع تشخیص مصلحت را به نفع مصالح و منافع ملی کشور ارزیابی کردند. ایشان یکی از باران نزدیک مقام معظم رهبری هستند که در سمت های مختلف از جمله رئیس قوه قضائیه فعالیت کرده است.

آیت الله شاهرودی می تواند مشی اعتدالی آیت الله هاشمی را تداوم بخشد؟ رویکرد آیت الله هاشمی شاهرودی در مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه رویکرد آیت الله هاشمی خواهد بود؟

آیت الله هاشمی در طول حیات سیاسی خود، همواره چهره معتدلی بوده و بسا تندروی ها همراهی نکرده